

شبکه‌های اجتماعی و تأثیر گذاری بر نقش دولت‌ها در روابط بین‌الملل (مطالعه موردی دولت‌های خاورمیانه)

ضیاءالدین صبوری^۱، رضا سیمبر^۲

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۳/۱۸، تاریخ تایید: ۹۶/۰۶/۱۵

چکیده

استفاده سیاسی از فناوری‌های نوین ارتباطی و به‌خصوص شبکه‌های اجتماعی اینترنتی در روابط بین‌الملل در دهه اخیر، بیش از پیش باب شده است، از این رو، بررسی تأثیرات این امر، نه تنها برای پژوهشگران علاقه‌مند، بلکه برای سیاست‌پیشه‌گان و تصمیم‌گیرندگان کشور نیز از اهمیت اساسی برخوردار است تا بتوانند به‌درستی ابعاد این پدیده نوین را درک کرده و عملکردی مناسب در مقابل آن داشته باشند. در این راستا تحلیل تحولات بین‌المللی نگرشی جدی با توجه به تأثیرگذاری اینترنت را می‌طلبد، چنانکه در تحولات اخیر خاورمیانه که آن را به اسمی چون «بهار عربی» و «بیداری اسلامی» می‌خوانند، وجود شبکه‌های اجتماعی در روند شکل‌گیری و کنشگری معترضان اقتدارگرایی تأثیرگذار بود. براین اساس، در این تحقیق سعی شده است با گردآوری مطالب به‌صورت کتابخانه‌ای و تحلیل آنها به‌صورت کاربردی، ماهیت شبکه‌های اجتماعی و تأثیرگذاری بر نقش دولت‌ها در روابط بین‌الملل مورد بررسی قرار گیرد. دوره زمانی این مقاله از سال ۲۰۰۴ و ظهور فیسبوک تا سال ۲۰۱۷ که در این بین انقلابات خاورمیانه نیز اتفاق افتادند، در بر می‌گیرد. سؤال ما این‌گونه مطرح می‌شود که تأثیرگذاری شبکه‌های اجتماعی در روابط بین‌الملل (خاصه دولت‌های خاورمیانه که از سال ۲۰۱۰ تا کنون دچار تحولات و تغییرات هستند) چگونه ارزیابی می‌شود؟ فرضیه ما نیز بر این قول است که تأثیرگذاری شبکه‌های اجتماعی در روابط بین‌الملل در قرن بیست و یکم غیرقابل کتمان است.

کلیدواژه‌گان: شبکه‌های اجتماعی، خاورمیانه، روابط بین‌الملل.

۱- کاندیدای دکتری تخصصی روابط بین‌الملل، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، ایران. (نویسنده مسئول)
ziasabouri@gmail.com

۲- استاد روابط بین‌الملل، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، ایران.
rezasimbar@hotmail.com

مقدمه

بی‌ثباتی و تحولات انقلابی و شبه انقلابی همواره مورد دغدغه پژوهشگران و سیاستمداران بوده است. این تحولات در زمره بزرگ‌ترین تغییرات اجتماعی هستند که گاه‌گاه از کنترل به وجود آورندگان خود نیز خارج می‌شوند و از این‌رو، کلیه موافقین و مخالفین آنها در معرض ریسک ناشی از آنها قرار دارند. بر این اساس، آنها همواره خواهان افزایش قدرت مدیریت خود بر این تحولات و کاهش ریسک ناشی در هر سه مرحله قبل، حین و بعد از آنها هستند. از این‌رو همواره با سؤالات مختلف همچون چرایی وقوع این تحولات، چرایی طولانی شدن آنها، چرایی خاتمه یافتن آنها، تأثیر این تحولات بر سایر موضوعات، میزان تغییر ناشی از این تحولات در عرصه‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی و... روبه‌رو هستیم. بر این اساس، موضوع این مقاله بر هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی چگونگی تأثیرات اینترنت و شبکه‌های اجتماعی بر تحولات بین‌الملل (خاصه خاورمیانه) است. دوره زمانی این مقاله از سال ۲۰۰۴ و ظهور فیسبوک تا سال ۲۰۱۷ که در این بین انقلابات خاورمیانه نیز اتفاق افتادند، در بر می‌گیرد.

مفهوم و پیشینه «فضای مجازی»

از لحاظ لغوی در فرهنگ‌های مختلف «cyber» به معنی مجازی و غیرملموس و مترادف لغت انگلیسی «Virtual» می‌باشد. «سایبرنتیک» از واژه یونانی «Kubernets» به معنای سکاندار که منشأ آن واژه انگلیسی «Governer» است، اقتباس شده است. دو ویژگی منحصر به فرد اینترنت مجازی بودن و گمنامی است که از فضای مجازی، دنیایی محاسبه‌ناپذیرتر، سیال‌تر و موقتی‌تر از دنیای روزمره ساخته است.

پیدایش پدیده اینترنت و فضای مجازی که توانمندی‌های شگرفی را برای بشر امروزی به ارمغان آورده است، به دهه ۱۹۶۰ برمی‌گردد (قاجار قیونلو، ۱۳۹۱: ۱۰۸)؛ زمانی که اتحادیه جماهیر شوروی موشکی با نام «اسپوتنیک» را به فضا فرستاد و نشان داد دارای قدرتی است که می‌تواند شبکه‌های ارتباطی آمریکا را با موشک‌های بالستیک و دوربرد خوداز بین ببرد، امریکایی‌ها در راستای پاسخ‌گویی به این اقدام روس‌ها، مؤسسه «آرپا»^۱ را تأسیس کردند که هدف آن انجام پژوهش و آزمایش برای پیدا کردن روشی بود که بتواند با خطوط تلفنی، رایانه‌ها را به هم مرتبط کند؛ به طوری که چندین کاربر بتوانند از یک خط ارتباطی مشترک استفاده کنند. در اصل، شبکه‌ای بسازند که در آن داده‌ها به صورت خودکار بین مبدأ و مقصد، حتی در صورت از بین رفتن بخشی از مسیرها، جابه‌جا و منتقل شود. تاریخ تولد اینترنت نیز

به‌طور رسمی، اول سپتامبر ۱۹۶۹ اعلام شده است. در دهه ۱۹۷۰ با تعریف پروتکل‌های جدیدتر از جمله تی. سی. پی - که تا به امروز رواج دارد- و نیز مشارکت رایانه‌های میزبان و گسترده‌شدن آنها در برخی نواحی خارج از مرزهای ایالات متحده، ایده اینترنت، همراه با جزئیات بیشتری مطرح شد. تا اینکه طی سال‌های پایانی دهه ۱۹۷۰ شبکه‌های مختلف تصمیم گرفتند به‌صورت شبکه‌ای واحد با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و طرح «آرپانت»^۱ را به‌عنوان هسته اصلی انتخاب کنند. این حرکت ادامه یافت و شبکه‌های مختلف به‌هم متصل شدند و نهایتاً در سال ۱۹۹۳ نام اینترنت بر این شبکه بزرگ گذاشته شد. این شبکه عظیم تا سال ۱۹۸۳ کمتر از پانصد رایانه میزبان داشت که عمدتاً در آزمایشگاه‌های نظامی و بخش‌های رایانه‌ای امریکا مستقر بودند. اما چهار سال بعد در سال ۱۹۸۸ اینترنت در صدها دانشگاه و آزمایشگاه پژوهشی، صاحب ۲۸۰۰۰ رایانه میزبان شد و روزبه‌روز بر تعداد آنها افزوده شد. (حبیب‌زاده، ۱۳۹۱: ۲۸) ظهور فیسبوک نیز در سال ۲۰۰۴، مرحله جدیدی در تاریخ شبکه‌های اجتماعی اینترنتی به‌حساب می‌آید. فیسبوک در اوایل سال ۲۰۰۴ به‌عنوان یک شبکه اجتماعی منحصر به دانشجویان دانشگاه هاروارد آغاز به کار کرد و پس از مدتی پشتیبانی از دیگر دانشگاه‌ها را نیز در دستور کار خود قرار داد. کاربران این سایت برای عضویت، در ابتدا نیاز به ایمیل آدرس دانشگاهی داشتند، در سال ۲۰۰۵ فیسبوک دانش‌آموزان دبیرستانی را نیز تحت پوشش قرار داد. مدت چندانی نگذشت که این سایت برای تمامی افراد قابل استفاده گردید و جنبه عمومی پیدا کرد و در حال حاضر با اختلافی زیاد به نسبت سایر شبکه‌های اجتماعی، محبوب‌ترین سایت اجتماعی در جهان است که تعداد کاربران آن بیش از جمعیت چندین کشور به نسبت پرجمعیت می‌باشد و تعداد این کاربران، هر لحظه رو به افزایش است. با گسترش اینترنت، امروزه شبکه‌های اجتماعی گسترده‌ای با نام‌های مختلفی مانند تلگرام، اینستاگرام، توییتر و... در جوامع مختلف تکثیر شده‌اند. پدیده اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، امروزه جزئی از زندگی سیاسی-اجتماعی مردم شده‌اند که مردم می‌توانند به‌واسطه این ابزار، کنشگری کنند.

شبکه‌های اجتماعی

شبکه‌های اجتماعی فضاهایی هستند که بر محور علایق، ارزش‌ها، ایدئولوژی‌ها و یا نوستالژی مشترک شکل می‌گیرند. باید میان شبکه‌های اجتماعی در فضای واقعی با شبکه‌های اجتماعی مجازی تفاوت قائل شویم؛ زیرا در شبکه‌های اجتماعی مجازی روابط چهره‌به‌چهره و رو در رو شکل نمی‌گیرند (Boyd & Ellison, 2007). شبکه‌های اجتماعی اینترنتی عبارتند از

سرویس‌های شبکه‌محوری که به افراد اجازه می‌دهند تا برای خود، نمایه‌ای شخصی یا نیمه‌شخصی درون یک سیستم مرتبط ایجاد نمایند و با جمعی از دیگر کاربران آن سیستم ارتباط برقرار نموده، همچنین فهرست ارتباطی آنها را از نظر بگذرانند.

تعریف دیگری نیز بدین مضمون از شبکه‌های اجتماعی اینترنتی وجود دارد؛ شبکه‌ای که جامعه‌ای مجازی را برای افراد علاقه‌مند به موضوعات خاص یا تنها علاقه‌مند به ارتباط با دیگر اعضا از طریق ایجاد نمایه‌ای شخصی روی شبکه با داده‌هایی که مرتبط با تاریخچه زندگی اعضا و اطلاعات شخصی آنها، تصاویر، علایق و مواردی که از آنها تنفر دارند و هرگونه اطلاعات دیگری که کاربران برای ارسال از طریق صدا، پیام فوری، ویدئو کنفرانس و وبلاگ‌ها انتخاب کرده‌اند، فراهم می‌آورد.

اینترنت از زمان فراگیرشدنش، امیدواری‌های زیادی را نزد اندیشمندان به وجود آورده است تا بتواند آغازگر مرحله‌ای نوین در مشارکت سیاسی انسان‌ها در جوامع مختلف باشد. به‌واقع سرشت میان‌کنشی آن و امکاناتی که (به‌ویژه پس از گذار به نسل دوم وب و پیدایش شبکه‌های اجتماعی مجازی اینترنتی) به‌عنوان عاملی میانجی در برقراری ارتباط میان افرادی که پیش از این امکان پیوند با یکدیگر را نداشتند، در عین حال گسترش روزافزون دامنه فراگیری آن که موجب شده مؤلفه جغرافیا و به‌عبارتی فاصله مکانی روز به روز کم‌اهمیت‌تر جلوه کند، همراه با عدم توانایی نسبی دولت‌ها در کنترل محتوای آن، عامل اصلی پیدایش این امیدواری‌ها بوده است (Orr, 2007).

با گذشت بیش از یک دهه از فراگیرشدن موج فناوری‌های نسل دوم وب که شبکه‌های اجتماعی اینترنتی نظیر فیسبوک و توییتر را می‌توان به‌عنوان مصادیق آن در نظر گرفت، روند جدیدی در زمین تولید محتوا در فضای سایبر آغاز شده است. در این شبکه‌ها به‌جای آنکه ایجادکنندگان آنها جریان تولید اطلاعات را در کنترل خود داشته باشند، این کاربران هستند که تولید محتوا می‌کنند و حتی شکل تولید محتوا را نیز به‌گونه‌ای که مدنظر پدیدآورندگان این سایت‌ها نبوده است، تغییر داده و کاربری‌های نوینی را برای این شبکه‌ها ایجاد می‌کنند. از جمله از این شبکه‌ها برای بحث و تبادل نظر پیرامون مباحث سیاسی و گفتگو در مورد مسائل سیاسی، اجتماعی، مذهبی، اقتصادی و... بهره می‌گیرند.

اینترنت و کنشگری سیاسی

برخی از تحلیلگران بر این باورند که شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و درکل، امکانات ارتباطی پدید آمده، موجب افزایش درگیرشدن افراد در مسائل اجتماعی و سیاسی جامعه خود شده و در نهایت به افزایش کنشگری سیاسی افراد یاری می‌رسانند، اما بسیاری نیز با این دیدگاه

مخالفت می‌ورزند. در مجموع، بحث بر سر تأثیرگذاری اینترنت در کل و شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و دیگر فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی بر روی مشارکت سیاسی به‌طور خاص، به‌صورت گسترده، محل رقابت و منازعه میان دو دیدگاه بدبینانه - که در قالب «فرضیه تقویت» تبلور یافته از سوی - و دیدگاه خوش‌بینانه (آرمان‌گرایانه) - در قالب «فرضیه بسیج» از سوی دیگر- بوده است. طرفداران فرضیه تقویت بر این باور هستند که شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و در کل تمامی فناوری‌های نوین ارتباطی از قدرت مستقر و پراکنش بهتر آن پشتیبانی می‌کنند؛ زیرا افراد و سازمان‌هایی که بر مسند قدرت تکیه زده‌اند و از قبل در فراگرد سیاسی فعال بوده‌اند، قادرند تولید، انتشار و نحوه به‌کارگیری این فناوری‌ها را تحت سیطره خود درآورده و از آنها در جهت مقاصد و منافع خود بهره‌برداری کنند (Orr, 2007). برخی نیز با تکیه بر نتایج پژوهش‌های کمی تأکید می‌کنند اغلب، افرادی در فضای مجازی به مشارکت سیاسی می‌پردازند که از پیش، در فضای واقعی جزء کنشگران فعال به حساب می‌آمده‌اند. اینان بر این باورند که هرچند فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی اینترنتی، امکانات و فرصت‌های جدیدی را برای مشارکت سیاسی در اختیار افراد قرار می‌دهد، اما آنچه در کنشگری سیاسی حائز اهمیت است، نه امکانات و فرصت کنشگری، بلکه خواست، انگیزه و خصوصیات خود افراد است که اولویت دارد و فضای مجازی نیز نمی‌تواند موجب تغییرخواست و اراده افراد برای مشارکت گردد. ویژگی‌های فردی و شخصیتی افراد و تأثیری که این ویژگی‌ها بر سطح و کیفیت مشارکت سیاسی می‌گذارد، از جمله مواردی است که از سوی محققین بسیاری بر روی آن تأکید شده است. به‌عنوان مثال وچپونه و کاپرارا بر نقش عوامل تعیین‌کننده فردی بر روی مشارکت سیاسی افراد تأکید می‌کنند. از نگاه این دو، افراد فارغ از جهت‌گیری سیاسی‌شان، تنها احتمال دارد که درگیر بازی سیاسی شده و به مشارکت سیاسی بپردازند؛ آنچه در این خصوص دارای اهمیت بیشتر است، باور آنها در زمینه تأثیرگذار بودن فعالیت و مشارکتشان است. شهروندانی که در تأثیرگذاری فعالیت سیاسی‌شان بر فرایند سیاسی تردید دارند، حتی اگر فضا برای مشارکت فعالانه آنها مهیا باشد، دلیلی برای مشارکت در فرایند سیاسی نمی‌بینند، در مقابل، در جایی که امکان مشارکت سیاسی پویا فراهم نیست، چنانچه افراد بر این باور باشند که می‌توانند نظام سیاسی را تحت تأثیر قرار دهند، این احتمال وجود دارد تا به‌رغم وجود مخاطرات فردی در جهت تعقیب و دستیابی به اهداف خود گام بردارند (Vecchione & caprara, 2009). احساس تأثیرگذاری سیاسی در افراد از عوامل فردی بسیار تأثیرگذار در کنشگری سیاسی افراد است. از دید این دسته از محققین، اصلی‌ترین مؤلفه در مشارکت سیاسی، ویژگی‌های فردی است و نه عوامل محیطی و بیرونی. این گروه در مجموع بر ۳ عامل و ویژگی فردی به‌عنوان مشخصه‌های فردی مؤثر بر مشارکت سیاسی افراد تأکید می‌کنند که

عبارتند از:

۱- اعتماد به نظام سیاسی که فوکویاما وجود آن را برای ثبات دموکراسی ضروری می‌داند (Bourne, 2010).

۲- احساس کارآمدی و تأثیرگذاری سیاسی،

۳- احساس آگاهی جمعی.

اینترنت همچون رسانه‌های جمعی قدیمی، رسانه «اقلیت برای اکثریت» نیست و با توجه گستره وسیع خود، امکان ارتباط افراد زیادی را با یکدیگر مهیا می‌سازد، در واقع اینترنت کاربران را از مصرف‌کنندگان صرف اخبار منتشر شده به فعالانی که خود در امر تولید و به‌ویژه انتشار اخبار دست دارند، مبدل ساخته است. کاربران این رسانه می‌توانند بر فرایند تصمیم‌گیری سیاسی اثرگذار باشند. در همین ارتباط، مباحثات شبکه‌محور، موجب جلب و برانگیخته‌شدن افراد جدید برای مشارکت در فرایند تصمیم‌گیری شده و گستره وسیعی از موضوعات مورد بحث را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. گسترش فرصت‌های مشارکت، می‌تواند صداها و نظرات متفاوت را منعکس کرده و از این طریق، گستره و دامنه اطلاعات تصمیم‌گیرندگان را نیز متحول سازد.

به‌لحاظ عملکرد و چگونگی پذیرش عضو نیز میان شبکه‌های اجتماعی تفاوت‌هایی وجود دارد؛ در حالی که بیشتر سایت‌های اجتماعی فعال بر روی اینترنت به‌دنبال رشد کمی و دستیابی به کاربران بیشتر هستند، برخی از این شبکه‌ها نظیر Beautiful People و A small world 1 در مقابل، دسترسی و عضویت در سایت‌هایشان را محدود می‌کنند و همگان را به‌عنوان عضو نمی‌پذیرند (Boyd & Ellison, 2007).

شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و درکل شبکه‌های اجتماعی مجازی کارکردی دوگانه دارند. این شبکه‌ها از طرفی می‌توانند راه را برای بسیج افراد در کنش‌های مشارکت‌گونه در حوزه روابط ملی و روابط بین‌الملل حتی کنش‌های اعتراضی و آنچه که در مجموع مشارکت سیاسی غیر متعارف نامیده شده است، هموار سازند و از طرف دیگر ممکن است در بخش‌ها و مواردی نیز توسط نخبگان سیاسی و صاحبان قدرت به‌منظور حفظ و حتی تقویت جایگاه سیاسی‌شان و در نگاهی کلان از سوی نظام‌های سیاسی با هدف حفظ موقعیتشان مورد بهره‌برداری قرار گیرند. به‌نظر می‌رسد که شبکه‌های اجتماعی فعال بر روی اینترنت، می‌توانند تأثیری مثبت در جهت افزایش مشارکت سیاسی داشته باشند. سپهر مجازی می‌تواند آمیزه‌ای از فرصت‌ها و تهدیدات باشد و نباید نگاهی محدود و تنگ‌نظرانه به تأثیرگذاری مثبت یا منفی آن داشت. علی‌رغم نقاط ضعف ذکرشده برای فرضیه بسیج، به‌نظر می‌رسد تا با نگاهی واقع‌بینانه‌تر در کاربرد این فرضیه و یافته‌های به‌دست آمده بر اساس آن، می‌توان از تأثیر مثبت این شبکه‌ها بر مشارکت سیاسی سخن گفت.

تحولات خاورمیانه و اینترنت

تحولات انقلابی و شبه‌انقلابی در خاورمیانه، نشان داده‌اند که به‌شدت می‌توانند بر منطقه و بین‌الملل تأثیر گذار باشند (Dalacoura, 2012). تأثیرات ناشی از تحولات انقلابی و شبه‌انقلابی مصر، سوریه و دیگر کشورهای عربی منطقه با ایجاد مسائل و مباحث فراوان در عرصه‌های حقوق بین‌الملل، حقوق بشر، ائتلاف‌های بین‌المللی، آینده روابط اعراب- رژیم صهیونیستی، تروریسم بین‌المللی، نحوه مداخله قدرت‌ها در امور داخلی کشورها، رابطه میان جهانی‌شدن و فراگیرشدن ابزارهای ارتباط جمعی با تغییرات سیاسی و... همراه بود. این تأثیرات به‌حدی بوده که اندیشمندان روابط بین‌الملل را به مطالعه خود فراخوانده است و اگر تحقیقات اندیشمندان روابط بین‌الملل درباره این تحولات بیشتر از سایر محققین جامعه‌شناس و علوم سیاسی نباشد، از آنها کمتر نبوده است.

بسیاری دیگر از محققان به تأثیر فناوری استفاده از رسانه‌های جمعی، اینترنت و سایر انواع شبکه‌های اجتماعی و اطلاعات بر خیزش‌ها تمرکز نموده‌اند. در یکی از این تحقیقات، محققان با بررسی بیش از ۳ میلیون گیگا بایت از مطالب توئیترها، یوتیوب‌ها، فیس‌بوک‌ها و وبلاگ‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که شبکه‌های اجتماعی، نقشی محوری در ایجاد مباحث سیاسی مربوط به بهار عرب ایفا نموده‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که: ۱- رسانه‌های جمعی نقشی محوری در ایجاد اطلاعات مربوط به بهار عربی برای مردم آن کشورها ایفا نموده‌اند. ۲- نظریه انقلاب‌های آنلاین تقویت شده است و ۳- شبکه‌های اجتماعی به توسعه تفکرات دموکراتیک در ماورای مرزها کمک می‌کنند (Howard, Duffy, Hussain, Mari & Mazaid, 2011). مقاله‌ای دیگر ادعان می‌دارد که استفاده از فناوری ارتباطی-اطلاعاتی، نقش مهمی در خیزش تونس و مصر ایفا نموده است. این فناوری در بحرین و سوریه نیز تأثیرگذار بوده است. فناوری مذکور در تحولات، دو نقش مهم ایفا نمود: ۱- سازماندهی مخالفت‌ها و ۲- انتشار اخبار. حکومت وقت مصر نسبت به تونس واکنش شدیدتری در محدودکردن فناوری ارتباطی-اطلاعاتی داشت و امکان دسترسی به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی ۹۳ درصد از مردم را منحل ساخت. این اقدام حکومت وقت، ضربه شدیدی به اقتصاد مصر نیز وارد ساخت. همچنین، بیش از ۸۸ درصد از مردم بحرین از اینترنت استفاده می‌کنند. در میان کشورهای متحول شده، بحرین بیشترین، یمن و لیبی کمترین استفاده از اینترنت را به خود اختصاص می‌دهند. با این حال، وجود گجت‌ها و نرم‌افزارهای جدید ارتباطی و فیلم‌برداری در تلفن همراه و وجود ماهواره، تأثیرگذاری ارتباطی-اطلاعاتی را حتی در صورت مسدودبودن اینترنت حفظ کرده بود. مردم سعی نمودند با استفاده از این امکانات، سازماندهی جمعی برای مقابله با فقر اقتصادی و سرکوب را شکل دهند (Stepanova, 2011).

عوامل تحولات

قواعد	عوامل		
فناوری ICT زیاد + گجت‌های جدید ارتباطی زیاد + گجت‌های جدید فیلمبرداری زیاد + تلفن همراه زیاد + ماهواره زیاد + فقر اقتصادی زیاد + نهادمندی دموکراتیک کم = خیزش	فقر اقتصادی نهادمندی دموکراتیک	گجت‌های جدید فیلمبرداری تلفن همراه ماهواره	فناوری ICT گجت‌های جدید ارتباطی

منبع: Stepanova (2011)

کلیه عوامل جدول بالا را می‌توان در قالب سه عامل کلان خلاصه نمود: استفاده از رسانه‌های جمعی، اینترنت، سایر انواع شبکه‌های اجتماعی و دموکراسی و وضعیت رفاهی-اقتصادی شهروندان.

اینترنت و دسترسی به شبکه‌های اجتماعی در تحولات خاورمیانه در حدی بود که بارها دولت‌های مانند مصر اقدام به قطع آن کردند؛ شاهد آنکه در ۲۶ ژانویه دولت مصر اعلام کرد افرادی که در گردهمایی‌ها، تظاهرات و راهپیمایی‌های عمومی شرکت نمایند، تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت و دسترسی به سایت‌های اینترنتی نیز که از طریق آن فعالان سیاسی بسیاری از تظاهرات را برنامه‌ریزی می‌کردند، در سرتاسر این کشور مسدود گردید. مقامات مصری برای پیشگیری از اعتراضات گسترده‌تر در ۲۸ ژانویه، تعدادی از اعضای اخوان‌المسلمین (از جمله چند تن از مقامات ارشد این سازمان) را دستگیر کرده و علاوه بر مسدود نمودن سراسری دسترسی به اینترنت، در خطوط تلفن همراه نیز اختلال ایجاد کردند. پیدایش بسترهای جدید ارتباطاتی مانند اینترنت و رایانه از یک‌سو، و در انحصار درآمدن رسانه‌های سنتی مانند مطبوعات، تلویزیون و رادیو توسط رژیم مبارک از سوی دیگر، سبب شد که طبقه جدید، جوان و تحصیلکرده مصری برای دسترسی به اخبار و اطلاعات به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی مانند فیسبوک، یوتیوب و توییتر روی آورند و تلاش رژیم برای کنترل اطلاعات و آگاهی از طریق سانسور و ارباب، نه تنها مؤثر واقع نشد، بلکه فی‌نفسه به یک عمل آگاهی‌دهنده تبدیل شد؛ به این معنا که خود موجب شکل‌گیری نوعی نگاه و واکنش سیاسی مخالف گردید. شایان ذکر است که در سال ۲۰۰۹، از جمعیت حدوداً ۷۷ میلیونی مصر، بیش از ۲۰ میلیون کاربر اینترنت وجود داشت (بیش از ۲۵ درصد جمعیت). همچنین تعداد کاربران تلفن همراه در این کشور در حدود ۵۵ میلیون نفر است که ۷۲ درصد جمعیت مصر را تشکیل

می‌دهند و این نشان از گستردگی کاربرد تکنولوژی‌های ارتباطی جدید در مصر دارد (Europa World Year Book, 2011: 1642).

همچنین تحولات یمن در این زمینه مورد توجه است. اعتراضات گسترده یمن نه تنها تحت تأثیر موج قیام‌های عربی آغاز شد، بلکه در آغاز و تداوم حرکت خود نیز از این قیام‌ها الگو گرفت. فراخوان‌های اینترنتی از طریق صفحه‌های فیسبوک و توئیتر، هرچند شروع تحرکات را رقم زد، اما در آغاز به‌راه انداختن یک حرکت فراگیر ناکام ماند. سقوط مبارک در مصر نیروی تازه‌ای به حرکت جوانان یمنی در صفحه‌های اینترنتی و سپس در خیابان‌های صنعا و سایر شهرهای یمن داد. در واقع از فردای سقوط مبارک، تظاهرات گسترده و تحصن در میدانی اصلی شهرهای یمن آغاز شد.

از آنجایی که در کشورهای توسعه‌نیافته عربی، رسانه‌ها اغلب در انحصار دولت بوده است، به‌طور طبیعی صاحب رسانه، از آن در جهت تحکیم حضور و مشروعیت خود بهره می‌برد. وجود شبکه‌های اجتماعی که این انحصارطلبی را دچار شکست می‌نمود، به ابزاری برای اطلاع‌رسانی و افزایش بینش سیاسی مردم در این کشورها تبدیل شده و بیشتر تأثیر خواهد گذاشت. از این‌رو، پس از تحولات صورت‌گرفته در نظام‌های سیاسی تونس و مصر، دیگر نظام‌های سیاسی منطقه شمال آفریقا و خلیج فارس از جمله کشورهای لیبی، اردن، عربستان، یمن، بحرین، الجزایر و... نیز خواستار اصلاحات در ساختار سیاسی و روند دموکراسی در کشورهای خود شدند. که این خواسته منجر به شکل‌گیری جنبش‌های اعتراضی محدود یا گسترده علیه نظام حاکم در آن کشورها شد. آنچه در این تحولات انکارناپذیر بود، تأثیر رسانه‌های ارتباط جمعی و اینترنت و به‌خصوص شبکه‌های اجتماعی از جمله توئیتر و فیسبوک در اطلاع‌رسانی سریع و گسترده و گسترش سریع این تحولات در کشورهای منطقه بود. این ابزارهای تازه، به‌طور هم‌زمان چندین نقش را ایفا می‌کنند؛ اول اینکه جریانی آسان و به‌روز و کم‌هزینه برای برقراری ارتباط مردم با یکدیگر هستند؛ ارتباطی واقعی که همچون تلویزیون، رادیو و مطبوعات از مجرای یک واسطه صورت نمی‌گیرد و علاوه بر آن همه کاربران می‌توانند در انتقال اخبار و ایده‌ها مشارکت داشته باشند. دیگر اینکه وبلاگ‌نویسان و کاربرهای دیگر در این شبکه‌ها به نقد رسانه‌های رسمی و حکومتی می‌پردازند و جهت‌گیری‌های دروغین آنها را مورد نقد قرار می‌دهند. از آنجایی که فیلم‌ها و تصاویر زیادی از رویدادها و اخبار به‌صورت آنلاین در اختیار مردم قرار می‌گیرد، دیگر جایی برای هدایت افکار عمومی از طریق ارائه اخبار گزینشی از سوی منابع رسمی وجود ندارد. بنابراین اکثر مردم به‌جای پیگیری اخبار از طریق رسانه‌های رسمی کشور، به شبکه‌های اجتماعی روی می‌آورند. از طرف دیگر این شبکه‌ها جای احزاب و گروه‌ها و سازمان‌ها را در جنبش‌های اعتراضی اخیر گرفته‌اند؛ دیگر نیازی نیست برای اعتراض، عضو یک

سازمان و یا حزب ویژه شد و نیز نیازی نیست تحت آموزش رهبران این گروه‌ها قرار گرفت، بلکه در بسیاری از موارد، این رهبران سیاسی هستند که تحت تأثیر حرکت‌های خودجوش مردمی قرار می‌گیرند که در این فضاها شکل می‌گیرد و به بیرون هدایت می‌شود و به تحلیل آن می‌پردازند. به این ترتیب مردم یک کشور از طریق این فضای تازه، بدون واسطه با یکدیگر ارتباط دارند و نیز علاوه بر آن با سایر مردم دنیا می‌توانند به‌طور آسان ارتباط برقرار کنند (الوند، ۱۳۹۰).

شبکه‌های اجتماعی و روابط بین‌الملل

امروزه در سرتاسر جهان هزاران شبکه کوچک وجود دارد که ارتباط انسانی، از تجارت و سیاست گرفته تا مذهب و پژوهش را پوشش می‌دهد. همزیستی مسالمت‌آمیز منافع و فرهنگ‌های مختلف در شبکه، شکل شبکه جهانی را به خود گرفته است که مجموعه انعطاف‌پذیری از شبکه‌های اینترنت است که نهادها، تجارت‌ها، انجمن‌ها و افراد، ایستگاه‌ها (سایت‌های) ویژه خود را در آن ایجاد می‌کنند و بر مبنای آن، هر کس که به این شبکه دسترسی داشته باشد، می‌تواند برای خود صفحه‌ای ایجاد کند. شبکه اینترنت، ستون فقرات ارتباطات کامپیوتری جهانی است (کاستلز، ۱۳۸۹: ۴۱۲).

جامعه شبکه‌ای در ساختار و کارکردهای غالب خود، حول شبکه‌ها و جریان‌هایی شکل گرفته که نمود ظاهر آن کاپیتالیستی است، اما این نوع سرمایه‌داری جدید، به کلی با آنچه که در عصر تمدن صنعتی ظهور یافته بود، تفاوت دارد. سرمایه‌داری عصر فراصنعتی متکی به نوعی دینامیسم درونی است که مرزی و حدی را بر نمی‌تابد، از انعطاف زیاد برخوردار است و فزون‌طلب، گسترش‌پذیر، بسط‌یابنده و در عین حال متکی به منطق شبکه است و حضور این پدیدار در صحنه جهانی، عالم را به دو قطب کلی، اعضای شبکه و محرومان از عضویت در شبکه، تقسیم می‌کند. در حالی که گروه دوم، به تدریج در مسیر نابودی و انقراض رانده می‌شوند، هرچند که در این مسیر احیاناً به حرکاتی تند و خشن برای جلوگیری از فنا توسل می‌جویند، گروه نخست، به صاحبان قدرت و کنترل‌کنندگان واقعی نظم امور بدل می‌شوند.

دینامیسم درونی جامعه شبکه‌ای مستمراً در کار شکل‌دادن روابط درونی این شبکه است و در این مسیر، با پیروی از منطق شبکه، دائماً در کار مرزشکنی و فراروی از چارچوب‌های موجود و استقرار نهادهای فراگیرتر خواهد بود. جامعه شبکه‌ای سرمایه، با سرعت و در حجم زیاد از نقطه‌ای به نقطه دیگر منتقل می‌شود و نظارت‌ها و کنترل‌های محلی را بی‌اثر می‌سازد. نیروی انسانی موجود در شبکه تفرّد پیدا می‌کند و به‌صورت هویت‌های قابل تعویض در می‌آید. بخش‌ها و مناطق صاحب اهمیت و افراد واجد پیوندهای استراتژیک با شبکه، فعال می‌شوند و

بخش‌های کم اهمیت و افراد فاقد پیوند از فعالیت باز می‌مانند. اما شاهد مهم‌ترین منطق درونی شبکه این است که شرایطی را ایجاد می‌کند که تحت آن بسیاری از امور که در فضای متعارف و غیرشبکه‌ای از ماهیتی یگانه برخوردار بوده‌اند؛ به‌گونه‌ای متناقض‌نما (پارادوکسیکال) خصلتی دوگانه پیدا می‌کنند. به عنوان مثال، در درون جامعه شبکه‌ای، دولت‌های ملی که در شرایط متعارف، نماینده اراده و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی هستند، از یک‌سو چنان تضعیف می‌شوند که توانایی کنترل اطلاعات یا سرمایه را در درون مرزهای خود از دست می‌دهند، و از سوی دیگر چنان اهمیتی می‌یابند که می‌توانند بحران‌های بزرگ قومی و نژادی پدید آورند. به این اعتبار برای تمشیت امور جامعه شبکه‌ای می‌باید از مدل‌های تازه دموکراسی و مشارکت در سطوح بین‌المللی بهره‌گیری کرد (کاستلز، ۱۳۸۹: ۱۹).

روابط بین‌الملل و سیاست نیز حوزه‌ای است که استفاده از ارتباطات کامپیوتری در آن هر روز گسترده‌تر می‌شود. تجربه مشارکت الکترونیکی شهروندان، دموکراسی محلی را تقویت می‌کند. شهروندان از طریق آن درباره مسائل عمومی بحث می‌کنند و مسئولین را از دیدگاه‌های خود آگاه می‌سازند.

در ورای استفاده از ارتباطات کامپیوتری برای روابط اجتماعی غیررسمی و همچنین استفاده‌های ابزاری از این سیستم، ناظران متوجه پدیده تشکیل جوامع مجازی شده‌اند. برطبق استدلال راین گلد^۱، جامعه مجازی، معمولاً به معنای شبکه الکترونیکی ارتباطات متقابل است، که محدوده‌اش را خود تعریف می‌کند و پیرامون علاقه یا هدف مشترکی تشکیل شده است، گرچه در برخی مواقع، ایجاد ارتباط، فی‌نفسه به هدف تبدیل می‌شود. چنین جوامعی ممکن است به‌گونه‌ای خودجوش توسط شبکه‌های اجتماعی ایجاد شده باشند که برای ارسال و دریافت پیام در یک الگوی زمانی انتخاب شده، با شبکه ارتباط برقرار می‌کنند (کاستلز، ۱۳۸۹: ۴۲۰).

آینده پژوهی نقش شبکه‌های اجتماعی بر روابط بین‌الملل و خاورمیانه

دانیل بل^۲ بر این باور است که آنچه نقش آینده پژوهی را از سایر رشته‌ها متمایز می‌گرداند، «تفکر احتمالی»^۳ است؛ به‌ویژه برای کشف یا نوآوری، ارزیابی و طراحی آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب. تافلر هم تلاش آینده‌پژوهان را در جهت ایجاد تصاویر جدیدی از آینده، تشریح عمیق امکان، ارزیابی منظم و منسجم احتمال و بررسی اخلاقی مطلوب مورد ارزیابی

1- Robin Gold

2- Daniel Bell

3- Possible thinking

قرار می‌دهد (Bell, 1998: 2).

اگر بخواهیم در رابطه با آینده روابط بین‌الملل در هم‌جواری اینترنت بپردازیم، به این نتیجه نزدیک خواهیم شد که تکنولوژی اطلاعات می‌تواند به روند دموکراتیک‌شدن بیشتر یاری رساند. تحولاتی نظیر اینترنت و شبکه‌های اجتماعی باعث ایجاد قدرت می‌شوند. این تکنولوژی‌ها امکاناتی تلقی می‌شوند که اطلاعات را بدون اینکه به وسیله رسانه‌ها، دولت‌ها و یا سازمان‌های سلسله‌مراتبی پردازش شده باشند، مستقیماً در اختیار استفاده‌کنندگان می‌گذارند. به علاوه، با استفاده از چنین اطلاعاتی، مردم مستقیماً می‌توانند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. بنابراین، این تکنولوژی‌ها به افراد امکان می‌دهد که بتوانند بیش از گذشته به‌طور آزادانه در گفتگوی انتقادی شرکت کنند و محدودیت‌های اطلاعاتی، زمانی یا فضایی کمتری در این راه پیش رو داشته باشند. تکنولوژی، حتی این امکان را برای شهروندان فراهم می‌کند که به‌گونه‌ای مستقیم در حکومت مشارکت کنند؛ چراکه کامپیوترهای شخصی متصل به اینترنت برگزاری فرآیندها را بسیار آسان‌تر و ارزان‌تر از گذشته می‌سازد (نش، ۱۳۸۹: ۱۲۵). این فرصت در خاورمیانه‌ای که پر از رژیم‌های اقتدارگراست، بسیار اهمیت دارد. چنانکه اقتدارگرایی بر بنیاد پاره‌ای از جرم‌ها استوار شده که در پرتو گرایش‌های مردم‌سالار، به‌شدت آسیب‌پذیر می‌نمایند، ما را به آنجا رهنمون می‌شود تا بحران‌های پیش روی رژیم‌های اقتدارگرا به‌واسطه توسعه دانش از رهگذر حاکمیت شبکه جهانی، سخن بگوییم. به‌عنوان مثال معنای اشارات مانوئل کاستلز به پدیده‌های رشد اینترنت و توسعه شبکه‌های اطلاعاتی یک چیز بیشتر نیست و آن اینکه دیگر نمی‌توان همچون قبل به تحدید دسترسی به دانش و تعریف دانش به‌مثابه یک کالای اختصاصی اندیشید (Castells: 1999, vol. 1). در این صورت، سهم بالایی از مردم در خاورمیانه که به‌دلیل محرومیت از دانش سیاسی و اجتماعی مربوط، از حقوق خود غافل و ناآگاه بودند، از این رهگذر نخستین گام ضروری؛ یعنی «علم یافتن به موضوع» را برای اظهار خواسته‌های مردم‌سالارانه‌شان بر می‌دارند. «مصطفی کامل‌السعید» با توجه به همین بُعد از تحولات در خاورمیانه است که اظهار می‌دارد:

«نوع معرفت سیاسی - اجتماعی در خاورمیانه، با مفروضات بنیادین اقتدارگرایی هم‌خوانی ندارد». (کامل‌السعید، ۱۳۸۳: ۱۰۵-۱۱۰)

دانش سیاسی - اجتماعی جدید، اولاً اقبال به تأسیس نهادهای مدنی و فعال‌سازی آنها را افزایش می‌دهد، حال آنکه نظام‌های اقتدارگرا نمی‌توانند چنین سهمی را برای این نهادها بپذیرند، ثانیاً به‌دنبال دانش و آگاهی جدید، سطح فکری جوامع ارتقا می‌یابد و ارتباط جریان فکری اسلام‌گرا و منتقد با توده مردمی، در واقع از نتایج ارتقای دانش عمومی در میان مردم این کشورها به‌شمار می‌آید. در این ارتباط، جریان اسلام‌گرای خواهان تغییر و تحول در نظام

سیاسی، بیشترین استفاده را از فضای موجود خواهد برد و به درون حوزه‌های تحت حاکمیت دولت‌های مقتدر نفوذ می‌کند.

روابط بین‌الملل در آستانه تولد دیگری است که حاکی از شتابزدگی تاریخ و در هم‌فشرده‌گی زمان و مکان در این دوران است. هندسه معرفتی این دنیای نو بر فهم انگاره‌ای متمرکز است که در کانون آن دگرگونی روندهای فرهنگی، تحت تأثیر تحول نظام ارتباطی قرار دارد. پارادایم فناوری اطلاعات و ارتباطات - که شالوده مادی جامعه شبکه‌ای را تشکیل می‌دهد - راه را برای ورود ملت‌ها به عصر آگاهی گشوده است و آگاهی خود، موجب شکل‌گیری فضای جریان‌ها شده است. به‌عبارت دیگر، اکنون فضاها پیرامون جریان‌ها شکل می‌گیرند؛ جریان‌های نمادین ارتباطی، جریان‌های متقابل اجتماعی، جریان‌های متکثر فرهنگی، جریان‌های رقابت‌زای اقتصادی و جریان‌های گفتمانی و پادگفتمانی قدرت که پیوسته جوامع را با شتابی بیشتر به‌سوی تغییر می‌راند. شبکه‌های ارتباطی و رسانه‌های نمود و بروز این دگرگونی در سطح سیاست، تمایلی جهانی و مردمی به سود دموکراسی است. از جمله پژوهش‌های معتبری که این رویکرد را به‌خوبی نشان می‌دهد، تحقیقی است که رونالد اینگلهارت^۱ در بیست و پنج کشور جهان از جمله برخی کشورهای جهان اسلام به انجام رسانده است. براساس این پژوهش، روند غالب فرهنگی و اجتماعی در این کشورها دستیابی به دموکراسی است. تحت تأثیر عوامل اقتصادی و فناورانه توسعه، بالا رفتن سطح سواد و آموزش، جوانی جمعیت و تفاوت نسلی و نیز گسترش شبکه‌های رسانه‌ای و ارتباطی، جامعه نو شکل می‌گیرد که در درون آن، انسان نو با ارزش‌ها و مهارت‌هایی متفاوت با گذشته محرکه‌ای برای تغییر می‌شود (خانیک، ۱۳۹۱: ۱۸). جنبش‌های شکل‌گرفته در تمام سرزمین‌های بهار عربی، جنبش‌های دموکراسی‌خواهی هستند. شکی نیست که تغییردادن دولت‌های اقتدارگرا در جهان عرب مستلزم مبارزه‌ای سخت و جدی است. در هر صورت، لازمه تحول و اصلاح پایدار و معنی‌دار دموکراتیک دولت، تغییرات دموکراتیک در حوزه اجتماع است. تغییر در درک جامعه، پیش‌شرط گذار به دموکراسی است. مهم‌ترین عنصر و عامل تغییرات دموکراتیک، همانا شهروند فعال است. شهروندانی که حضور دائم به‌صورت فردی و گروهی و یا از طریق جنبش‌ها در هر فضای اجتماعی ممکن و قابل دسترسی دارند (خانیک، ۱۳۹۱، ۶۶).

در باب اهمیت شبکه‌های اجتماعی و سایت‌های ارتباط جمعی در فضای مجازی، باید عنوان کرد که کشورهای عربی و به‌طور کلی کشورهای خاورمیانه، با تغییرات فاحش در بافت اجتماعی خود مواجه هستند. افزایش پرشتاب قشر تحصیل‌کرده دانشگاهی، روزبه‌روز به میزان

این طبقه نوظهور افزوده می‌شود. پیامد ایجاد چنین طبقه اجتماعی در جوامع انسانی، تولید نخبگان جدید در سطح جامعه و تغییر در ترکیب و ساختار نخبگان قبلی می‌باشد. این فرایند تدریجی در بلندمدت، منجر به تغییر ذائقه ارتباطی عموم جامعه می‌شود. به عبارت دیگر، با شکل‌گیری طبقه جدید تحصیلکرده در کشورها، این گروه‌ها برای دسترسی به اطلاعات و اخبار دیگر، خود را محدود به رسانه‌های سنتی نمی‌کنند، بلکه با استفاده از امکانات نوین نظیر اینترنت، نیازهای اطلاعاتی خود را برطرف می‌سازند. تولید و تکثیر اطلاعات و افزایش آگاهی‌های اجتماعی حاصل شبکه‌های اجتماعی و جامعه شبکه‌ای، سهم بسیاری در تجمیع خواسته‌ها و اجماع نسبت به راه‌کارهای تأمین و تحقق نیازهای اجتماعی و توزیع قدرت و ساخت دموکراسی در کشورها و از جمله کشورهای عربی و تغییر نظام‌های سنتی و مادام‌العمر داشته است. تحقیقات نشان می‌دهد که در کشورهای منطقه و خاورمیانه ۴ وب سایت مرتبط با شبکه‌های اجتماعی وجود دارد. بر همین اساس نمی‌توان از نقش سایت‌هایی نظیر فیسبوک و توئیتر و شبکه‌های اجتماعی جدید آینده، در شکل‌دهی به اعتراضات جمعی و شبکه‌سازی در اجتماع به سادگی گذشت. چنانکه فیسبوک نقش مهمی در جمع‌آوری کمک و حمایت مردمی در جریان انقلاب مردم مصر، لیبی، تونس و عربستان داشته است. توماس فریدمن^۱، روزنامه‌نگار آمریکایی، از این شیوه به‌عنوان مسجد مجازی در مقابل مساجد انقلاب اسلامی ایران یاد می‌کند.

شبکه‌های اجتماعی، بازیگران جدید و روابط بین‌الملل

واقعیت این است در روابط بین‌الملل امروز باید بازیگری شبکه‌های اجتماعی را پذیرفت؛ چه اینکه جوانان، امروزه خاصه در خاورمیانه و کشورهای کمتر توسعه‌یافته، برای به‌دست آوردن وجود اجتماعی و هستی‌شناختی خود و همچنین، ایفای نقش فعال در زندگی سیاسی و اجتماعی، به فضای مجازی و دنیای اینترنت رو آورده‌اند و این به معنی به چالش کشیدن بازیگری دولت‌هاست (Allagui, 2017)؛ چنان‌که به‌واسطه این بازیگران جدید عرصه روابط بین‌الملل، جوانان از طریق شبکه‌های اجتماعی مجازی و اینترنتی به‌طور مرتب آخرین اخبار و رویدادها را با هم مبادله کرده و قرارهای جدیدی برای کنشگری بیشتر می‌گذارند، سایت‌های انتقادی را علیه رژیم سازمان می‌دهند و از طریق پیام‌های کوتاه تلفن‌های همراه، فراخوان‌های تجمعات و شعارها را اطلاع‌رسانی می‌کنند. بنابراین امکانات جدید ارتباطی و اطلاعاتی، هم عاملی برای برانگیختن و هم محملی برای سازمان‌یابی این انقلاب‌ها هستند. بدین ترتیب، به زیر سؤال بردن الگوهای رسمی و غیر رسمی از سوی نسل جدید و پیگیری آرمان‌ها و علایق با

1- Thomas L. Friedman

استفاده از ابزارهای جدید ارتباطی، به ظهور نسلی جدید از فعالان سیاسی - اجتماعی منجر شده است که بیش از آنکه از احزاب و گروه‌های سیاسی موجود برخاسته باشند، در لایه‌های اجتماعی ریشه داشتند. بهره‌مندی از ابزار نامنسجم اینترنت، این امکان را برای جنبش اجتماعی نسل جدید فراهم کرد تا برای حرکت آغازین خود، شبکه‌های اجتماعی جدید تشکیل دهند و از آن طریق به کنش سیاسی - اجتماعی بپردازند. در حقیقت، فناوری‌های اطلاعاتی، نقش تسهیل‌کننده و بسترساز را در وقوع تغییرات ایفا می‌کنند. فناوری‌های اطلاعاتی با ارتقای توانمندی‌ها و مهارت‌های ارتباطی و ظرفیت‌های هماهنگی افراد، فارغ از محدودیت‌ها و موانع جهان فیزیکی، این امکان را به افراد می‌دهند تا بتوانند اهداف، خواسته‌ها و آرزوهای خود را با دیگر هم‌نوعان به اشتراک بگذارند و با تشکیل اجتماعات مجازی و احساس جوّ جمعی مشترک (هرچند مجازی)، فشارها را برای وقوع تغییرات تشدید کنند (Elena, 2016: 119-130).

انقلاب اطلاعات و گسترش روزافزون تکنولوژی ارتباطات، نظیر شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنتی تأثیرات بسیاری بر شئون اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در جوامع جدید گذاشته است؛ به‌نحوی که بسیاری از اندیشمندان همچون کاستلز، از پدیده‌ای به نام جامعه شبکه‌ای در دوره معاصر یاد کرده‌اند. در این میان، شبکه‌های اجتماعی مجازی که نسل جدیدی از وبسایت‌های اینترنتی هستند، کاربران اینترنتی را حول محور مشترکی به‌صورت مجازی گرد هم جمع کرد و جوامع آنلاین را تشکیل داد. بهره‌گیری از این شبکه‌ها توسط معترضان سیاسی، اجتماعی، زیست‌محیطی، حقوق بشر و... آن را به ابزاری برای پیگیری نیازهای مهم زندگی بشر تبدیل کرده است.

فیسبوک، توییتر و یوتیوب از مهم‌ترین شبکه‌های اجتماعی هستند، نقش شبکه‌های مجازی و اجتماعی در شکل‌گیری بهار عرب، به‌حدی بود که برخی تحلیل‌گران از آن به‌عنوان انقلاب مجازی یاد می‌کنند. گسترش شبکه‌های اجتماعی مجازی، می‌تواند نقش مهمی را بازی و فرصت‌های تازه‌ای را برای جنبش‌های اجتماعی ایجاد کند (Du, 2016). افزایش بهره‌گیری از رسانه‌های جدید و پیدایش شبکه‌های اجتماعی در این دو تجربه، ضمن آنکه ارتباط و سرعت عمل معترضان را افزایش داد، موجب سردرگمی نیروهای امنیتی و در نتیجه کاهش هزینه‌ها شد. این امر؛ یعنی مشارکت همگانی در شکل‌دهی به دنیای جدید، فراتر از تعهد به یک ایدئولوژی است. با این مشارکت همچنین می‌شود الگوهای عمل و تاکتیک‌های بیشتری در هنگام مباحثات پیشنهاد شود و پیشبرد اهداف جنبش به شخص یا اشخاص خاصی وابسته نشود. اگرچه این تجربه تونس و مصر را نمی‌توان به‌عنوان یک قاعده همیشگی برشمرد، این نکته به‌عنوان یک درس برای کشورهای خاورمیانه کاربرد دارد که از این پس، جنبش‌های اجتماعی دست کم در مراحل نخستین، بیش از سازمان‌دهی و رهبری به پیدایش و گسترش شبکه‌های اجتماعی نیاز دارد.

نتیجه گیری

بحث بر سر تأثیرگذاری گسترده شبکه‌های اجتماعی اینترنتی بر روابط بین‌الملل واقعیتی جدید است که باید بیشتر مورد کنکاش قرار گیرد. گستردگی امواج بهار عربی در جغرافیای خاورمیانه، نویدبخش تحولات شگرفی در ابعاد سیاسی و فرهنگی و تحولات معنایی و مفهومی گردیده است. در این میان، نقش‌آفرینی شبکه‌های اجتماعی نظیر فیسبوک و توییتر در فرایند جهت‌دهی به افکار مردم همچنین بسیج نیروها در این کشورها توسط شبکه‌های اجتماعی، موضوعی است که در دو مرحله؛ مرحله اول شبکه‌سازی در فضای مجازی و در مرحله بعدی شبکه‌سازی در فضای واقعی صورت می‌پذیرد.

با توجه به اقبال عمومی سایت‌های اجتماعی فعال بر روی اینترنت، چندان دور از ذهن نیست که دامنه نفوذ و تأثیرگذاری این شبکه‌ها در آینده نه چندان دور، به‌گونه‌ای غیر قایل باور افزایش یابد و دهکده جهانی مک لوهان در سپهر مجازی تبلور یابد. تعداد شبکه‌های اجتماعی رو به افزایش است و محبوبیت این شبکه‌ها به‌ویژه در میان جوانان، به‌گونه‌ای قابل توجه سیر تصاعدی طی می‌کند و به‌نظر می‌رسد در آینده نزدیک از این شبکه‌ها بسیار بیشتر خواهیم شنید و تأثیرگذاری آنها در فرآیند درونی‌کردن دموکراسی و مبارزه با اقتدارگرایی در آینده بیشتر خواهد بود.

منابع:

- الوند، فاطمه، (۱۳۹۰)، شبکه‌های اجتماعی و تحولات خاورمیانه، نشریه روابط فرهنگی؛ شماره ۱، شهریور.
- چاووشی، محمد صادق؛ دانشوری، حسین، (۱۳۸۱)، «تروریسم در فضای سایبر»، مدرسه حقوق؛ ۷۵.
- حبیب‌زاده، طاهر، (۱۳۹۱)، حقوق فناوری اطلاعات، چاپ اول، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس، جلد اول.
- حبیب، کمال السعید، (۲۰۰۲)، الحركة الإسلامية من المواجهة إلى المراجعة، القاهرة: مكتبة مدبولی.
- خانیکی، هادی، (۱۳۹۱)، جنبش‌های ضد دیکتاتوری در غیاب جامعه مدنی، ماهنامه نسیم بیداری؛ شماره ۲۶، اردیبهشت.
- قاجار قیونلو، سیامک، (۱۳۹۱)، مقدمه حقوق سایبر، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- کاستلز، مانوئل، (۱۳۸۹)، عصر اطلاعات (ظهور جامعه شبکه‌ای)، مترجمان: احد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: انتشارات طرح نو، چاپ ششم، جلد اول.
- نش، کیت. (۱۳۸۹)، جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، ترجمه: محمدتقی دلفروز، نشر کویر
- Allagui, Ilhem. (2017). Internet in the Middle East: an asymmetrical model of development, *Internet Histories: Digital Technology, Culture and Society*. (1-2)1.
- Andrew Bourne, Paul: (2010). Unconventional political participation in a Middle income Developing Country, *Current Research Journal of Social Sciences*. 2(3): 196-203.
- Bell, Wendell. (1998). "Foundations of Futures Studies: Volume 1: History, Purposes, and Knowledge", (Human Science for a New Era Series), 1st Edition, New York, Rutledge.
- Boyd, d. m., & Ellison, N. B. (2007)." Social network sites". *Journal of Computer-Mediated Communication*, V13, article 11.
- Castells, Manuel (1999) *the Rise of the Network Society: The Information Age: Economy, Society and Culture*, Volume 1.
- Dalacoura, Katerina. (2012). "The 2011 uprisings in the Arab Middle East: political change and geopolitical implications". *International Affairs*, 88(1): 63-79
- Du Y. R. (2016). Same events, different stories: Internet censorship in the Arab Spring seen from China. *Journalism and Mass Communication Quarterly*, 93(1), 99-117.
- Elena, M. (2016). Framing international media in the face of social movements: CNN and Al Jazeera English in the fall of Morsi. *Communication and Society*, 29(3), 119-130.
- "Egypt: Introductory Survey"; in *The Europa World Year Book 2011*; 52nd

edition; Vol. 1; London & New York: Routledge.

- Howard, P.N., Duffy, A., Freelon, D., Hussain, M., Mari, W. & Mazaid, M. (2011). *Opening Closed Regimes: What Was the Role of Social Media During the Arab Spring?*. Seattle: PIPTI. Retrieved May 22, 2012 from <http://pitpi.org/index.php/11/09/2011/opening-closed-regimes-what-was-the-role-of-social-media-during-the-arab-spring/>
- Orr, Allison. (2007), "Political Participation and Web 2.0". University of New South Wales, 1-16.
- Stepanova, Ekaterina. (2011). "The Role of Information Communication Technologies in the "Arab Spring": Implications beyond Region. PONARS Eurasia Policy Memo. May. No. 159.
- Sebastián Valenzuela, Namsu Park and Kerk F. Kee. (2008). "Lessons from Facebook: The Effect of Social Network Sites on College Students' Social Capital". Submitted to the 9th International Symposium on Online Journalism Austin, Texas, April 4-5.
- Vecchione, M., Caprara, G. V. (2009). Personality determinants of political participation: The contribution of traits and self-efficacy beliefs. *Personality and Individual Differences*, 46, 487-492.